

چیستی و مناسبات عاملیت و ساختار در اندیشه آیت الله خامنه‌ای

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۵/۲۲

حسین پورعلیرضا*

چکیده

پرداختن به مسأله عاملیت و ساختار یکی از مسائل بنیادین و اساسی است که تأثیر به‌سزایی بر رویکردهای سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و تربیتی فرد و جامعه خواهد داشت. پرداختن به این مسأله نیازمند شناخت صحیح از جهان هستی و انسان است. نظریه‌های عاملیت‌گرایانه و ساختارگرایانه با غفلت از لایه‌های پنهان وجود انسان و جهان هستی و نیز عدم توجه به ارتباط و پیچیدگی این لایه‌ها با یکدیگر به دنبال نظریه اجتماعی خود بوده‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای با تکیه بر آموزه‌های اسلام مبتنی بر ابعاد مختلف جهان و انسان در تلاش است که رابطه دوسویه بین عاملیت و ساختار را با تکیه بیشتر بر اندیشه و اراده انسان نشان دهد. در اینجا ساختارها اگرچه دارای اصالت و حقیقت هستند؛ اما به دلیل آنکه بر ساخت انسان‌اند و از نوع اعتبار و انتخاب او حاصل می‌شوند، هیچ‌گاه نمی‌توانند آزادی و اراده‌اش را به‌طور کامل از او سلب کنند. امروزه با ورود هوش مصنوعی در زوایای مختلف زندگی بشر و مطرح شدن مسأله «تسلط ماشین بر انسان»، پرداختن به مسأله عاملیت و ساختار دوباره رنگ و بوی جدیدی به خود گرفته است که نیازمند بحث‌های فلسفی، در کنار لحاظ مسائل عینی و خارجی مرتبط با آن هستیم.

واژه‌های کلیدی: عاملیت، آگاهی و بینش، اراده، عمل، اعتبار، ساختار.

*. دانش آموخته کارشناسی ارشد، رشته فلسفه علوم اجتماعی، دانشگاه باقرالعلوم (ع).

مقدمه

نظریه‌های جامعه‌شناسی که به شناخت علمی پدیده‌ها و نهادهای اجتماعی و همچنین کنش و حیات اجتماعی انسان‌ها می‌پردازند، ارتباط مستقیمی با نوع هستی‌شناسی و انسان‌شناسی جامعه‌شناس دارد. از طرفی جامعه‌شناسی به این مسأله نیز توجه دارد که زندگی اجتماعی انسان‌ها با حیات فکری و معنوی آن‌ها ارتباط مستقیم دارد (تراپی، ۱۳۴۷: ۲) زیرا جامعه به‌عنوان وجودی جدای از افراد انسان‌ها و مغایر با آن‌ها نیست؛ بلکه آدمیان در حکم ماده‌ای هستند که از طریق معرفت و عمل خود، با صورت نوعی جامعه وحدت پیدا می‌کنند. (پارسانیا، ۱۳۹۵: ۱۲۰-۱۲۱) یعنی معانی در جهان اجتماعی «وجودی مستقل از وجود انسانی ندارند و آثار عینی و خارجی آن‌ها به‌واسطه حضوری است که در عرصه آگاهی و اراده انسانی پیدا می‌شود». (همان: ۱۳۷)

بر اساس معرفت‌شناسی پوزیتیویستی، توضیح پدیده‌های انسانی از راه یکسان‌انگاری آن‌ها با پدیده‌های طبیعی انجام می‌شود. از این‌رو از قوانین طبیعی، ثابت و کلی سخن به میان می‌آید. (تراپی، ۱۳۴۷: ۵۳)

از سوی دیگر، در رویکرد تفهیمی و تفسیری (وبری)، توجه به افراد به‌عنوان واحدهای تشکیل‌دهنده یک جامعه از اهمیت بیشتری نسبت به ساختارها و عوامل بیرونی برخوردار است. (پارسانیا، ۱۳۹۵: ۵۸)

پس در بعد انسان‌شناسی برخی برای انسان، ذاتی قائل هستند یعنی انسان حی متأله است و اصالت او به روح ملکوتی، وحی و هسته مرکزی اتحاد، عزم قلبی اوست و این هسته مرکزی با هیچ عامل مادی رام نخواهد شد. (جوادی آملی، جامعه در قرآن: ۳۵۵) در مقابل، برخی چون مارکس با عدم پذیرش ذات انسانی، ماهیت انسان را درگرو نسبت او با ابزار تولید می‌سنجد.

در بین اندیشمندان مسلمان نیز برخی جامعه را حقیقتی عینی و خارجی دانسته و بر این باور هستند که قرآن جامعه را «در شمار موجودات زنده، شاعر، مکلف و قابل تخاطب» قرار داده است. (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۹۶/۴؛ مطهری، ۱۳۹۲: ۳۳۶/۲-۳۴۵)

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای از یک سو توجه زیادی به ساختارها شده است. «انبیا معتقد به تربیت فردی نبوده‌اند... [بلکه آن‌ها معتقد بودند] که برای ساختن انسان باید محیط متناسب، محیط سالم، محیطی که بتواند او را در خود پیوراند، تربیت کرد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۴۵-۴۶) انقلاب اسلامی نیز به این دلیل دارای اهمیت است که «در زمینه‌های فرهنگی، در زمینه‌های سیاسی، در زمینه‌های اجتماعی، در اثبات هویت ملی تحولات عمیقی ایجاد کرده است». (بیانات، ۸۵/۱۱/۳۰)

و از سوی دیگر به نقش عامل و یا آحاد مردمی توجه ویژه‌ای دارند. «نظامی که متکی به مردم است، مخالفینش هرچه از لحاظ امنیتی و نظامی و ثروت و اقتصاد و این‌ها قوی‌تر هم باشند، نمی‌توانند این نظام را متزلزل کنند». (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)

البته آگاهی، اراده و اختیار انسان و همچنین قدرت تأثیرگذاری فرهنگ، روابط و ساختارها، همواره تحت اراده و سنت‌های الهی معنا پیدا می‌کند.

بر اساس آنچه آمد، سؤال اساسی این نوشتار عبارت است از اینکه بر اساس منظومه اندیشگانی آیت‌الله خامنه‌ای چه تعریفی از عاملیت و ساختار و مناسبات میان آن‌ها می‌توان ارائه کرد؟ و سؤالات فرعی به این شرح است:

۱. بر اساس منظومه اندیشگانی آیت‌الله خامنه‌ای چه تعریفی از عاملیت و ساختار می‌توان ارائه کرد؟

۲. دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در باب اصالت فرد/ عاملیت و جامعه/ ساختار چیست؟

۳. بر اساس معنای عاملیت و ساختار در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، چه رابطه‌ای میان این دو قابل‌تصور و تصویر است؟

اگرچه در باب عاملیت و ساختار نوشته‌های متعددی ثبت شده است اما در اینجا، تنها به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم و سپس به وجه تمایز این نوشتار با آثار موجود می‌پردازیم.

پایان‌نامه «بررسی تطبیقی دیالکتیک، عاملیت و ساختار در رئالیسم انتقادی و حکمت صدرایی» نوشته محمدقاسم منتظری، مقاله «هستی‌شناسی جامعه از منظر متفکران دینی» نوشته فاطمه شاکرین و مقاله «شهید مطهری و هستی‌شناسی جامعه (بررسی و نقد)» نیز نوشته فاطمه شاکرین و حمیدرضا شاکرین، «مقایسه نسبت فرد و جامعه در اندیشه علامه طباطبائی، شهید مطهری و آیت‌الله مصباح یزدی» است. اثر دیگر پایان‌نامه بررسی تطبیقی اصالت فرد و جامعه از دیدگاه شهید صدر و آیت‌الله مصباح یزدی می‌باشد که آذر جراء آن را به رشته تحریر درآورده است و آثار متعدد دیگری که در این زمینه نوشته شده است.

با این حال وجه ضرورت تحقیق پیش‌رو آن است که مرور اجمالی پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها، مسأله مورد نظر پژوهش حاضر (صورت‌بندی چیستی و مناسبات عاملیت و ساختار در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با تکیه بر مبانی معرفتی) را پوشش نداده و به همین دلیل همچنان خلأ پژوهشی در این خصوص وجود دارد.

۱. مفاهیم

در این قسمت تصویری اجمالی از فضای مفهومی مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با مسأله تحقیق، بیان می‌شود:

«ترکیب جامعه»: در ترکیب جامعه بدین مسأله پرداخته می‌شود که آیا با در کنار هم قرار گرفتن افراد جامعه، واقعیت جدیدی شکل می‌گیرد یا نه؟ در ترکیب حقیقی، واقعیت جدیدی جدای از وجود تک‌تک افراد لحاظ می‌شود و در آن

«امری بیش از جمع جبری اجزاء». (سوزنچی، ۱۳۸۵: ۴۰-۶۱) شکل می‌گیرد؛ بنابراین نیازمند شناخت قوانین «کل» هم هستیم. (مصباح یزدی، ۱۴۰۰: ۴۰ و ۵۲؛ پارسانیا، ۱۳۹۵: ۱۱۷-۱۱۸)

در ترکیب اتحادی، هویت جدیدی شکل می‌گیرد مانند ترکیب اتم گازهای مختلف که در آن هر یک از اجزای تشکیل‌دهنده، خصوصیات پیش از ترکیب خود را از دست می‌دهد. در حالی که در ترکیب اجزای یک خودرو، نه‌تنها ماهیت جدیدی شکل نگرفته است بلکه خصوصیت قبل از ترکیب اجزاء نیز باقی می‌ماند.

«انسان»: موجودی مرکب از جسم و روح است که نیازهای متعدد مادی و معنوی را در خود احساس می‌کند. عوامل متعددی همچون وراثت، محیط طبیعی، محیط اجتماعی (عوامل اجتماعی)، تربیت، شغل، تغذیه و... نیز در شکل‌گیری شخصیت انسان و رفتارهای او اثرگذار است، پس بدیهی است که انسان در عین داشتن آزادی و اراده و اختیار، آزادی‌اش، آزادی نسبی باشد. (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۹۰/۲)

«پدیده اجتماعی»: پدیده، در لغت به هر امری گفته می‌شود که انسان آن‌ها را مشاهده می‌کند؛ اما در اینجا مقصود امری است که به‌واسطه کنش انسان شکل گرفته و کم‌کم در بستر اجتماع شیوع پیدا می‌کند و برای انسان قابل مشاهده است. پدیده اجتماعی، در مقابل پدیده‌های طبیعی است که انسان در شکل‌گیری آن نقشی ندارد. اگرچه پدیده‌های طبیعی همچون سیل، زلزله و خشکسالی می‌تواند عکس‌العمل عملکرد انسان از جانب طبیعت باشد؛ اما مقصود از «پدیده» در این نوشتار «بخشی از پدیده‌های انسانی هستند که کنش‌های اجتماعی به دنبال می‌آورند و با کنش اجتماعی انسان تحقق می‌یابند». (پارسانیا، ۱۳۹۵: ۵۲)

«کنش»: در تحقق کنش، وجود چند عنصر برای تحقق کنش لازم و ضروری است: آگاهانه بودن، ارادی بودن، هدف‌داری، معنادار بودن، تغییرپذیر بودن. (همان:

«اصالت»: واژه «اصالت» در هر یک از معانی سه گانه زیر می تواند به کار گرفته شود:

(۱) گاهی «اصالت» در مباحث حقوقی به کار برده می شود که به معنای اولویت داشتن و مقدم بودن حقی بر حق دیگر است که از آن به اصالت حق فرد در قبال حق جامعه و یا برعکس سخن به میان می آید که خود منشأ پیدایش مکاتب اقتصادی لیبرالیسم و سوسیالیسم می شود. (مصباح یزدی، ۱۴۰۰: ۴۶)

(۲) معنای دوم اصالت، «تأثیرگذار» بودن چیزی است.

(۳) و معنای سوم آن قائل شدن به وجود حقیقی برای فرد یا جامعه است یعنی فرد یا جامعه را دارای «شخصیت». (سوزنچی، ۱۳۸۵: ۴۶) مستقل دانستن.

«جامعه»: در برخی از تعاریف (رابرتسون) مرزهای جغرافیایی، عامل اصلی تفکیک جوامع به حساب آمده است و در برخی دیگر (گینسبرگ) اساس جامعه و وجه تمایز آن با جوامع دیگر، روابط دوجانبه و شیوه های خاص رفتاری بین انسان ها ملاک قرار داده شده است (صدیق اورعی، ۱۳۹۸: ۲۸۰) یا بر «اثر کنش های چند سویه» در جامعه شکل تأکید شده است. (همان)

آیت الله جوادی آملی «جامعه» را مترادف و هم معنای با «امت» که واژه ای قرآنی است دانسته اند و برخی دیگر جامعه را «اجتماعی از آدمیان که واجد حکومت واحد و استقلال سیاسی» (مصباح یزدی، ۱۴۰۰: ۲۸) باشند تعریف می کنند.

از نگاه شهید مطهری جامعه «مجموعه ای از انسان ها [است] که در اثر جبر یک سلسله نیازها، تحت نفوذ یک سلسله عقیده ها و ایده ها و آرمان ها در یکدیگر ادغام شده اند و در یک زندگی مشترک غوطه ور شده اند». (مطهری، ۱۳۸۴: ۳۳۱/۲)

«ساختار»: در برخی از تعاریف ساختار نظام اجتماعی «مجموعه ای از فرصت ها، محدودیت ها، الزامات و مقررات است که به کنش کنشگران جهت

معینی می‌دهد». (صدیق اورعی، ۱۳۹۸: ۲۸۴) هر ساختار بر اساس موقعیت‌های مختلفی که در آن لحاظ شده است و بر اساس نوع موقعیت‌ها و همچنین محتوای نقشی که برای هر موقعیت در نظر گرفته می‌شود و تمایز نحوه رابطه موقعیت‌ها با یکدیگر، از ساختارهای مشابه متمایز می‌شود. (همان: ۲۸۵) از نگاه رهبر انقلاب «ساختار زندگی، طرح اصلی زندگی فرد است که از روابط مهم با دیگران (افراد، گروه‌ها و مؤسّسات) تشکیل می‌شود». (خامنه‌ای، کتاب «برای حقیقت»: ۱۲)

۲. روش تحقیق

این پژوهش یک مطالعه کیفی با روش تحلیل مضمون به‌منظور سازماندهی داده‌ها با شیوه استقرایی - اکتشافی است. در این پژوهش به‌منظور استخراج و صورت‌بندی مفهومی اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در باب چستی و مناسبات عاملیت و ساختار از ظرفیت‌های تحلیلی روش تحلیل مضمون استفاده خواهد شد.

۳. یافته‌ها

از آنجا که «نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و هستی و [انسان] عرضه می‌دارد، زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود» (مطهری، ۱۳۸۴: ۷۵/۲) می‌توان نتیجه گرفت که شناخت بیشتر و کامل‌تر از ابعاد مختلف انسان (فردی، اجتماعی، دنیوی، اخروی، مادی، معنوی، جسمی، روحی) و نیز شناخت درست ساختارها و تأثیر آن‌ها، می‌تواند درک صحیح‌تری از پدیده‌های انسانی را به ما القا کند از این رو به برخی از مهم‌ترین نکات در این زمینه اشاره می‌شود.

۳-۱. درک صحیح ابعاد انسان

انسان موجودی پیچیده و دارای ابعاد مختلف است و به همین دلیل شناخت او امری بس دشوار است؛ زیرا نیازمند شناخت ابعاد مختلف او همچون نیازها و وابستگی‌هایش، فطرت و نیروهای متضاد درونی‌اش، انگیزه‌ها و موانع رشد و هدایتش هستیم. در واقع «بشر یک موجود تمام‌نشده است، احصا نشدنی است... این وجود جسمانی بشر ناشناخته است، چه برسد به وجود معنوی و روحانی و باطنی انسان». (بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۱۳۹۳/۲/۱۷)

موجودی که بر فطرت انسانی و الهی خود متولد می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۲/۲-۱۳/ح ۴-۱) و به‌طور طبیعی «فطرت توحیدی او را سیر داده و به سمت بسیاری از اعتبارات اجتماعی حرکت می‌دهد. همچنین انسان به‌واسطه همین فطرت می‌تواند بر خواش‌های طبیعی خود که به‌واسطه ساختمان جسمی او ایجاد می‌شود، غلبه کرده و مقهور نشود». (قاسمی، ۱۳۹۹: ۳۸) از همین رو او دارای قدرت عزم و اراده قوی است که «برخلاف دیگر خویشاوندانش که رام و دست‌بسته در گذرگاه طبیعی و فطری خویش به راه‌اند، از نیروی انتخاب و اراده برخوردار است». (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۳۵) البته آزادی و اختیار او هیچ‌گاه مطلق نبوده و نیست بلکه در چارچوب قوانین طبیعی هستی و اراده الهی اجرا می‌شود «فله أن يتصرف فيه بما شاء و يأخذه إذا أراد». (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۲۹۱/۲۰)

از نگاه قرآنی عوامل متعددی در قوی شدن و ضعیف شدن اراده انسان نقش دارند که از جمله آن‌ها ایمان و عبادت است. از آثار عبادت، ولایت انسان بر نفس، قوی شدن اراده و تقویت قوای وهمیه و متخیله، مفارقت از بدن، تسلط انسان بر بدن خویش و نهایتاً تسلط بر طبیعت را می‌توان نام برد. (مطهری، ۱۳۸۴: ۳۰۳/۳) در روایت فضیل نیز چنین وارد شده است «العبودية جوهرة كنهها الربوبية». (منسوب به امام ششم، ۱۴۰ق: ۷/۱) و از سوی دیگر اطاعت غیر خدا موجب ضعف اراده می‌شود که

در این میان «بیشتر از هر چه، گوش کردن به تغنیات سلب اراده و عزم از انسان می‌کند». (خمینی، ۱۳۸۰: ۸)

انسان تنها با داشتن اختیار است که به کرامت نفسانی خود دست می‌یابد. بخشی از معنای توحید «وحدت و یکسانی انسان‌ها در رابطه با خدا» و «یکسانی و برابری انسان‌ها در امکان تعالی و تکامل» و نیز «تکریم و ارزش دادن به انسان» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۳۰-۳۳) است. امیرالمؤمنین در این باره می‌فرماید: «أَكْرِمَ نَفْسَكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَإِنْ سَاقَتْكَ إِلَى الرَّغَائِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاضَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (نهج البلاغه: نامه ۳۱) پس «این جور نیست که بگوئیم خیلی خوب، آزادی چیز خوبی است؛ اما من این چیز خوب را نمی‌خواهم. نخیر، نمی‌شود، باید انسان به دنبال آزادی باشد؛ هم آزادی خود و هم آزادی دیگران؛ نباید... کسی در استضعاف و ذلت و محکومیت باقی بماند». (بیانات در چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع آزادی: ۱۳۹۱/۸/۲۳)

با این حال «انسان هویت شعوریِ ارادی دارد [و] برای حرکت، با کشش غریزی عمل نمی‌کند. بلکه باید عقل سهم خود را ایفا کند تا انسان فعلی را انجام دهد» (فلاح شیروانی، ۱۳۹۹: ۱۲-۱۳) به همین دلیل وقتی اسلام می‌خواهد ظواهر زندگی و فرهنگ جامعه‌ای را عوض کند ابتدا به دنبال تغییر در نگرش‌ها و جهان‌بینی‌ها است. در این میان شناخت خدا و شناخت انسان از خود، در رأس همه معرفت‌ها قرار دارد. «بدون توحید، انسان از شناخت واقعی خود و جهان محروم است». (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۵۶۰/۲) در مقابل خودشناسی، نسیان نفس است که یعنی «انسان از هویت و هدف وجود و باطن و دل و روح خود غفلت کند و دچار فراموشی شود؛ یعنی تسلیم جریان مادیِ فاسدی شود که او را با خود می‌برد تا به منجلاّب و باتلاق برساند و برای انسان هیچ مقاومتی در مقابل حرکت بدی و فساد و شر وجود نداشته باشد» (بیانات رهبر انقلاب در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی: ۱۳۸۰/۹/۲۱) تا جایی

که «خودش را هم درست نمی‌تواند بشناسد، چه برسد به جامعه‌اش، چه برسد به آرمان‌هایش». (بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی: ۱۳۸۹/۶/۳۱)

امروزه بشریت بیش از سابق به خطرات خود فراموشی آگاه شده است و «آگاهان جهان، عیب اساسی که بر فرهنگ و تمدن غربی گرفته‌اند این است که این فرهنگ، فرهنگ جهان‌آگاهی و خود فراموشی است». (مطهری، ۱۳۸۴: ۲/۳۰۵)

یکی از خصوصیات مهم انسان «اعتبارساز» بودن او است. «انسان فطرتاً به گونه‌ای خلق شده است که برای تنظیم زندگی و حیات خود، اعتباریات و معانی اجتماعی را می‌سازد» (موسوی، ۱۳۹۴: ۲۱۳)؛ یعنی برای رفع بخشی از نیازهای خود و ادامه حیات نیاز به اعتبار دارد؛ که البته این اعتبارات «و الامور غیر الحقیقه لابد أن تنتهی انتزاعها إلى الامور الحقیقه، سواء كانت تصویریة أو تصدیقیة». (طباطبایی، ۱۴۲۸ق: ۳۴۶) پس یکی از نکات مهم پیرامون امور اعتباری، ارتباط آن با مبانی اندیشه است. شکل و مدل ساختارها، نهادها، روابط موجود در یک جامعه، نحوه مدیریت، امنیت، معاش، قدرت، اقتصاد و ده‌ها امر مربوط به اعتباریات، برخاسته از نوع جهان‌بینی انسان‌ها در یک جهان اجتماعی است. این در حالی است که ما «در زمینه‌ی علوم انسانی، برخلاف آنچه انتظار می‌رفت و توقع بود، حرکت متناسب و خوبی نکرده‌ایم» (بیانات در دیدار جمعی از استادان دانشگاه‌های کشور: ۱۳۸۲/۸/۸) و اکتفا به ترجمه آثار علمی کشورهای غربی از آن جهت خطرناک است که «علوم انسانی غرب مبتنی بر جهان‌بینی دیگری است؛ مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است». (بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوه: ۱۳۸۸/۷/۲۸)

۲-۳. ساختارها و تأثیر آن‌ها بر افراد

به‌طور کلی می‌توان گفت که عوامل بیرون از انسان که مؤثر بر کنش و کنشگری او هستند، دامنه وسیعی دارند که برخی بر ساخت انسان هستند مانند

«ذهنیت [و] فرهنگ جامعه» (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی: ۱۴۰۱/۹/۱۵) و برخی مربوط به سنت‌های الهی. «انسان، این موجودی که با این شکل، با این قواره، در عالم دارد راه می‌رود، این با یک خصوصیتی ساخته و بنا شده. انسان یک خصوصیتی دارد، یک امکاناتی دارد، یک نیازهایی دارد... این جهانی هم که انسان در آن زندگی می‌کند، باز با یک شرایطی، با یک خصوصیتی، دارای حرکتی و به‌سوی جهتی ساختمان شده» است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: جلسه شانزدهم/ ۳۶۰) پس یکی از خطاهای محاسباتی انسان این است که تنها به امور مادی توجه کند و سنت‌های الهی «که با چشم دیده نمی‌شود را ندیده بگیرد». (بیانات در دیدار با مسئولان نظام در نهمین روز ماه مبارک رمضان: ۱۳۹۳/۴/۱۶)

رهبر معظم انقلاب، دو دسته از سنت‌های الهی که مربوط به عملکرد انسان است را برمی‌شمارد:

«یک دسته از سنت‌های الهی اشاره به سرنوشت ملل و اقوامی دارد که عهد خود با خداوند را شکسته و در مسیر گمراهی قرار گرفته‌اند... دسته دوم از سنت‌های الهی به سرنوشت ملت‌هایی اشاره دارد که در مسیر نهضت و قیام الهی به عهد خود با خدا پایبند بوده و با یاری خداوند از همه مشکلات عبور کرده‌اند». (بیانات رهبر انقلاب در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۴۰۱/۴/۷)

از نگاه قرآن، در جدال تاریخی حق و باطل، غلبه نهایی برای جریان حق است و باطل فانی و نابود شدنی است. نظام تکوینی عالم و فطرت انسان نیز به گونه‌ای وضع شده‌اند که دو عامل مهم برای تحقق همین امر باشند؛ یعنی «سنت الهی هم بر این است که حرکت عمومی بشر، به سمت همین هدف‌های والا ترتیب داده شود. این چیزی است که به‌طور قهری و طبیعی، جامعه‌ی بشریت به سمت آن حرکت می‌کند» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت ولادت نبی اکرم ﷺ و امام جعفر صادق علیه السلام، ۱۳۸۰/۳/۲۰) و علت شکست دشمنان در بسیاری از

اقداماتشان همین بوده است که: «توانستند بفهمند که در عالم بشر غیر از محاسبات و مناسبات سیاسی، یک محاسبات و مناسبات دیگری هم وجود دارد». (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه: ۱۴۰۱/۴/۷)

البته این سخن به معنای نفی اراده یا قدرت از هیچ انسانی نیست بلکه خداوند تلاش و عمل هیچ انسانی را بدون نتیجه نخواهد گذاشت و همان گونه که در آیه ۲۰ سوره اسراء اشاره کرده است «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا. كُلًّا نَّمِدُّهُؤُلَاءِ وَهُؤُلَاءِ؛ هم کسانی که درصدد به دست آوردن دنیا در تلاش هستند را کمک می کند و هم کسانی که درصدد کسب آخرت هستند را.» (یعنی اگر تلاش کردید و زحمت کشیدید، حتماً به نتیجه خواهید رسید). (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران: ۱۳۷۷/۱۰/۴) به همین دلیل قرآن در این باره آیات فراوانی را ذکر کرده است. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» [است؛ یعنی] تغییرات به دست شماست. کلید تحولات اجتماعی و تحولات عظیم در دست شماست... شما آحاد انسان، سر رشته دار تحولات جامعه هستید». (همان)

اما در کنار سنت های الهی، ساختارهای انسانی نیز می توانند تأثیر به سزایی بر بینش و کنش انسان داشته باشند که از میان آن ها فرهنگ به دلیل وسعت و گستردگی آن از اهمیت بالایی برخوردار است و به مثابه هوایی است که انسان در آن تنفس می کند و بر روح و روان او تأثیر می گذارد (بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت: ۱۳۸۶/۶/۴) و در اساس تحقق عینی برخی مفاهیم و تحقق آن ها از مسیر گفتمانی شدن و تبدیل آن ها به فرهنگ عمومی است که از جمله آن ها «اقتصاد مقاومتی»^۱ را می توان نام برد.

۱. رهبر انقلاب در یکی از دیدارها می گوید که این شعار با گفتمان سازی محقق می شود رجوع شود به جزوه پدیده گفتمان محمدرضا فلاح شیروانی.

اگر چیزی به فرهنگ عمومی جامعه تبدیل شود، مردم تا حد زیادی به سمت آن گرایش پیدا می‌کنند و تحت تأثیر آن قرار گرفته و مطالبات عمومی پیرامون آن شکل می‌گیرد. (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان: ۱۳۹۵/۴/۱۲) «من در صحبت با دوستان در دولت، اشاره کردم به بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور... یعنی ذهنیت جامعه، فرهنگ جامعه؛ یعنی همان‌طور که عرض کردم، آن نرم‌افزاری که در جامعه دارد کار می‌کند... مراد، گزاره‌های غلطی است که بر اذهان مردم حاکم است». (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی: ۱۴۰۱/۹/۱۵)

فرهنگ از یک‌سو؛ خود با گفتمان و پذیرش از جانب عموم مردم شکل می‌گیرد و از سوی؛ خود نقش به سزایی در ایجاد گفتمان و مطالبات عمومی دارد از این‌رو یکی از کارهای مهم حلقه‌های میانی گفتمان سازی اصول و مبانی ارزشی انقلاب است. «اگر چنانچه ایستادگی کردید، گفتمان‌سازی کردید، ذهن‌ها را آماده کردید، آن وقت در هنگام لازم به دردتان می‌خورد؛ یعنی می‌توانید ذهن مردم را بسیج کنید به سمت یک حقیقتی تا آن را مطالبه کنند». (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان: ۱۳۹۵/۴/۱۲)

و چون فرهنگ همان «باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سروکار دائمی دارند» (بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی: ۱۳۹۳/۱/۱) است پس مهم‌تر از اقتصاد است؛ زیرا فرهنگ است که نوع اقتصاد، ناکارآمدی‌های سیستم اقتصادی، نوع تبادلات و معاملات، نحوه تعامل با قطب‌های سرمایه‌دار و قدرت‌طلب و طرفین معاملات و غیره را مشخص می‌کند. در واقع «همه چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد نیست، حاشیه و ذیل سیاست نیست، اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل بر فرهنگ‌اند». (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی: ۱۳۹۲/۹/۱۹)

از دیگر ساختارهای بر ساخته انسان می توان به نهاد خانواده به عنوان یکی از مؤثرترین نهادها در تربیت افراد اشاره کرد که نقش مهمی در «رسیدن انسان به اوج تکاملی که استعداد آن را خداوند در او قرار داده است» (بیانات در دیدار با کارگزاران نظام: ۱۳۸۳/۶/۲۳) دارد.

خانواده به عنوان اولین و مهم ترین بستر شکل گیری هویت انسان و تربیت او، از جایگاه ویژه ای نسبت به سایر نهادها برخوردار است؛ و «هر کشوری که در آن بنیان خانواده مستحکم باشد، بسیاری از مشکلات آن کشور بخصوص مشکلات اخلاقی و معنوی آن به برکت خانواده سالم و مستحکم برطرف می شود یا اصلاً به وجود نمی آید» (بیانات در خطبه عقد: ۱۳۷۶/۹/۲)؛ بنابراین زوج های جوان و مسئولان نظام اسلامی موظف هستند که موانع تقویت بنیان خانواده و عوامل سست شدن را از بین ببرند.

دومین نهاد اثرگذار، نهاد اقتصاد است که آن هم نقش مهمی در بینش ها، انگیزه ها، امیدها و کنشگری افراد دارد. با روی کار آمدن قدرت های اقتصادی بزرگ که «توانسته اند ظریف ترین، لطیف ترین و شیواترین حقایق عالم ماده را هم در خدمت بگیرد» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکل های دانشجویی: ۱۳۸۴/۷/۲۴)، تحولات گسترده ای در دنیا رخ داده است و اساساً علت تحریم های اقتصادی ایران آن بوده است که ملت ایران دست از اصل انقلاب و آرمان های استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و مبارزه با زالوصفتان بردارد. هدف آن ها از این جنگ اقتصادی «سست کردن اراده ملت است». (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهری رضوی: ۱۴۰۲/۱/۱)

اقتصاد و معیشت ارتباط مستقیم و دوسویه ای با فرهنگ و سبک زندگی دارند؛ چراکه «یک اقتصاد نابسامان بر روی فرهنگ جامعه هم اثر می گذارد». (بیانات در دیدار مسئولان نظام: ۱۴۰۲/۱/۱۵)

پس در نگاه اسلامی «از جمله‌ی چیزهایی که مردم را به بهشت نزدیک می‌کند، بهبود معیشت مردم است؛ «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (الکافی: ۳۰۷/۲، ۴/ح) جامعه‌ای که در آن فقر باشد، بیکاری باشد، مشکلات معیشتی غیرقابل حل وجود داشته باشد، اختلاف طبقاتی باشد، تبعیض باشد، شکاف طبقاتی باشد، حالت آرامش ایمانی پیدا نمی‌کند» (بیانات در دیدار مردم استان ایلام در سالروز ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام: ۱۳۹۳/۲/۲۳)

نهاد اثرگذار دیگر، نهادهای علمی هستند. هر ملتی که به دنبال اقتدار، پیشرفت، آزادی است باید به این مهم توجه داشته باشد که «علم برای یک ملت مهم‌ترین ابزار آبرو و پیشرفت و اقتدار است» (بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری: ۱۳۹۴/۸/۲۰)

توجه به استعداد‌های نخبگان به‌عنوان وظیفه مهم مسئولین مدارس و دانشگاه‌ها از یکسو برای حفظ کرامت انسانی آنهاست که امکان استفاده از «ثروت عظیم نیروی انسانی» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا»: ۱۳۹۴/۷/۲۲) را فراهم می‌سازد و از سوی دیگر لازمه رسیدن انقلاب اسلامی به اهداف بلندش است. در اینجا راهکارهای متعددی وجود دارد. به‌عنوان نمونه بنیاد نخبگان باید تلاش کند که از نخبگان «در چیدمان مدیریتی کشور» (بیانات در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی: ۱۳۹۷/۷/۲۵) استفاده شود تا از این طریق مسأله «هویت ملی» (همان) بازگردد و نخبگان احساس «مفید بودن» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا»: ۱۳۹۴/۷/۲۲) کرده و خود را بیشتر در سرنوشت جامعه دخیل کنند.

نمونه دیگر توجه به وظیفه سنگین مدارس است. از وظایف معلمان در مدارس ایجاد روحیه اعتماد به نفس و خودباوری در دانش‌آموزان است. اعتماد به نفس و خودباوری به انسان امید و انگیزه حرکت می‌دهد و موجب استقلال فکری و

فرهنگی افراد و ملت‌ها می‌شود. «یکی از چیزهای مهم این است که [از] مدارس ما... یک انسان مستقل باریاید؛ یک انسان بدون پیوند به کسان دیگر و اجانب باریاید؛ و مستقل و سر پا ایستاده و متکی به نفس باریاید» (خمینی، ۱۳۸۹: ۳۶۴/۸) همچنان که وظیفه دیگر معلمان و مربیان اصلاح اندیشه‌ی جوانان و خصوصاً نهادینه کردن مفاهیم «جریان ساز و عمل ساز» (بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان: ۱۳۹۵/۲/۱۳) است. ما معلمان وظیفه داریم که دانش آموزان را «از آغاز عادت بدهمیم که با همت بلند نگاه کنند، مسائل گوناگون وجود دارد که این‌ها را باید در سطح دنیا دید». (بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی: ۱۳۹۱/۷/۲۰)

پس معلم به‌عنوان جزئی از نهاد تعلیم و تربیت علاوه بر تأثیری که در بعد فردی، بر اشخاص می‌گذارد، می‌تواند در تقویت بعد اجتماعی مخاطبان خویش و شکل‌گیری جریان‌های اجتماعی نقش مهمی ایفا کند؛ یعنی «انسان آگاه، عالم، اهل فکر کردن، متفکر، اهل منطق، با ایمان، با اراده، متشروع، پایبند به اخلاقی اسلامی، پایبند به تعهدات ملی» (بیانات رهبر انقلاب در دیدار با معلمان: ۱۴۰۲/۲/۱۲) را تربیت کند.

راهکار دیگر مربوط به حوزه و دانشگاه است که ارتباط آن‌ها با یکدیگر از قبیل ارتباط جسم و روح است. «آن‌ها (حوزه علمیه) فکر و ذهن و روح جامعه را آن‌چنان از زشتی‌ها و نادرستی‌ها دور می‌کنند که بفهمد به کجا باید حرکت کند و این‌ها وسیله این حرکت را به دست او می‌دهند تا حرکت کند». (بیانات در دیدار دانشجویان به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه: ۱۳۷۲/۹/۲۴)

پیشرفت کشور در عرصه علوم دانشگاهی بدون پیوست آن به مباحث اخلاقی و حوزوی ضربه‌ای سخت‌تر از تحجر حوزه را به دنبال خواهد داشت. البته «مسائل حوزه [نباید] از مسائل کل جامعه، مسائل کشور، مسائل جهان، بلکه

مسائل تاریخ جدا» دانسته نشود. (بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه: ۱۳۷۹/۷/۱۴؛ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان قزوین: ۱۳۸۲/۹/۲۶)

اما نهاد حکومت. یکی از لوازم اجرایی شدن تمام تعالیم الهی و فراهم شدن زمینه‌های سعادت و رشد فکری و معنوی، تشکیل حکومتی مبتنی بر معارف الهی است؛ از این رو پیامبران الهی و همچنین اهل بیت همواره در تلاش برای تشکیل حکومت بوده‌اند و حکومت در نگاه پیامبران «وسیله‌ای است، یک مسئولیتی است که کسانی آن را قبول می‌کنند تا به مردم خدمت کنند». (خامنه‌ای، ولایت و حکومت، ۱۳۹۱: ۱۵۸)

حکومت اسلامی که در اندیشه شیخ مفید، ابی‌الصلاح حلبی، (همان: ۴۰) شیخ طوسی، علامه حلی، شهید اول، محقق کرکی، شهید ثانی، مقدس اردبیلی، صاحب جواهر، شیخ انصاری جایگاه مهمی دارد، موظف است که «جامعه را با فرهنگ بالاتر و معلومات عمیق‌تر و آگاهی‌های همگانی مجهز کند و بدین وسیله جلو نفوذ فرهنگ بیگانه را بگیرد» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران: ۱۳۶۵/۹/۱۴) و با «تأمین آزادی برای افراد جامعه و زمینه‌های رهایی انسان از عیوب مخرب، مفسد و متوقف‌کننده» (همان) آن‌ها را به سمت تعالی سوق دهد.

از اینجا به خوبی معلوم می‌شود که «تشکیل حکومت [امری] لازم است» (خمینی، ۱۳۹۱: ۳۸) و تنها در سایه تشکیل حکومت است که بخشی از دستورات اسلامی همچون اجرای حدود الهی، (همان) اجرای احکام قصاص و دیات، قضاوت، عمل به موقوفات، ایستادگی در برابر حکومت‌های مستکبر و ظالم، معنا پیدا می‌کند. (همان: ۸۹ و ۹۳)

«دین» نیز یکی از نهادهای اثرگذار در جامعه به شمار می‌آید. البته علی‌رغم همه مباحثی که پیرامون توحید در دو علم فلسفه و کلام مطرح می‌شود، آنچه بیش از هر چیز جامعه اسلامی را از حقیقت توحید دور کرده است، تحریف در

معنای توحید است و به همین دلیل توحید نتوانسته است در زندگی افراد نقش خود را به درستی ایفا کند و امتداد خود را به مسأله‌های عینی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی و اقتصادی بکشانند و توحید نظریه‌ای صرفاً ذهنی تلقی شده است. در حالی که توحید همان «طرحی و ترسیمی است از شکل محیط متناسب انسان، محیطی که وی می‌تواند در آن به سهولت و سرعت رشد کند و به تعالی و کمال ویژه خود نائل آید. پیشنهاد قواره و قالبی مخصوص است برای جامعه با تعیین خطوط اصلی و اصول بنیانی آن». (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۴۲)

اگر توحید و دین در رأس زندگی افراد قرار گیرد، تحولات بنیادینی را ایجاد می‌کند که از جمله آن‌ها حرکت و استقامت در راه رسیدن به اهداف است. «ناگهان انسانی که در چشم خودش مظهر ضعف و عجز و حقارت و ناتوانی بود، با ایجاد رابطه بین خود و خدا، تبدیل می‌شود به یک عظمت. می‌بیند بنده‌ی خداست، خدائی که تمام عظمت‌ها و قدرت‌ها متعلق به اوست». (بیانات رهبر انقلاب در تفسیر سوره ملک: ۱۳۶۳/۸/۱۸)

از سوی دیگر کارایی دین در اخلاق هم زیاد است؛ چرا که «پشتوانه قانون و اخلاق هم فقط و فقط دین است» (مطهری، ۱۳۸۴: ۴۰۰/۳)؛ زیرا در اندیشه مادی، دلیل قابل قبولی برای گذر از منافع شخصی وجود ندارد؛ و به همین دلیل ایمان به غیب «مرز جهان‌بینی‌های الهی و مادی است، که آثار زیادی را هم در پیش انسان و هم در عمل انسان به وجود می‌آورد». (بیانات در جلسه هشتم تفسیر سوره بقره: ۱۳۷۰/۷/۲۴)

ضمن آنکه دین ابعاد جدیدی از تاریخ و فلسفه تاریخ را به روی اندیشمند اجتماعی می‌گشاید که مسأله هدف‌داری جهان از جمله آن‌هاست و تنها در چنین نظم معناداری است که «ناگزیر در اصل وجود آن (جهان) نیز (همان‌طور که در بسیاری از اجزاء آن محسوس و مشهود هست) حکمتی است و برای آن غایت و جهت و هدفی» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۲۸-۲۹) قرار داده شده است.

از این‌رو همه موجودات هستی تحت اوامر خداوند قرار دارند و از قوانین طبیعت و قوانین حاکم بر زندگی خود تخلف نمی‌کنند و هر نوع فعل و انفعال انسان نیز در دایره علم و اراده^۱ (الکافی: ۱۵۸/۲ ح پنجم) خالق صورت می‌گیرد و همین بینش «انسان را به پیمودن راه طبیعی و فطری‌اش که در آن با همه جهان همگام است، فرامی‌خواند [و] انسان را که خود عضو اصلی جهان است در عمل و تلاش بدان پیوند می‌زند و در پهنه وجود، وحدت و یکسانی مطلق پدید می‌آورد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۳۵) در فلسفه تاریخ «آن ساختارهایی که طبق قواعد وجود داشته باشند می‌مانند؛ اما آن ساختارهایی که حتی به قواعد وجود نداشته باشند، از بین می‌روند». (فصلنامه جمهور، ۱۴۰۲: ۳۵۱)

دیدگاه‌های مختلف در باب اصالت فرد و جامعه

- نقش و تأثیر افراد بر محیط اجتماعی

بر اساس معارف قرآنی، هیچ‌گاه محیط اجتماعی و عوامل مرتبط با رشد فکری و جسمی انسان نتوانسته است آگاهی و اراده او را به‌طور کامل تحت تأثیر خود قرار دهد^۲ (بیانات در دیدار جمعی از مداحان: ۱۳۸۳/۵/۱۷) از این‌رو در بسیاری از آیات همچون داستان حضرت موسی و ابراهیم، به نقش بی‌بدیل «فرد»^۳ در تغییر محیط اجتماعی و تحول ساختارها اشاره شده است. بنابراین

۱. إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ - فَعَلِمَ مَا هُمْ صَائِرُونَ إِلَيْهِ - وَ أَمَرَهُمْ وَ نَهَاَهُمْ فَمَا أَمَرُهُمْ بِهِ مِنْ شَيْءٍ فَقَدْ جَعَلَ لَهُمُ السَّبِيلَ إِلَى تَرْكِهِ وَ لَا يَكُونُونَ آخِذِينَ وَ لَا تَارِكِينَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ

۲. قرآن در این باره داستان‌های متعددی را بیان می‌کند که از مهم‌ترین آن‌ها علاوه بر سرگذشت حضرت ابراهیم و حضرت موسی، زندگی‌نامه زن فرعون را می‌توان نام برد. زنی که «قصر فرعونی او را مجذوب نکرد؛ زن پرورش‌یافته در بساط فرعونی، کسی که زن فرعون است و لابد پدر و مادر و خاندانش هم از همین طواغیت بودند، در نهایت راحت و نعمت و رفاه و عزت ظاهری بود و زندگی می‌کرد؛ اما ایمان موسی دل او را برد و تصرف کرد».

۳. مقصود از عاملیت می‌تواند یک فرد یا یک گروه و تشکیلات بوده باشد.

«صحیح است که بگوییم درون‌مایه انسان، بنیان حرکت و تاریخ و اساس روبنای اجتماعی با تمام روابط، نظام‌ها، افکار و جزئیات آن است». (صدر، ۱۳۹۹: ۱۳۴)

از سوی دیگر ساختارهای اعتبارشده به‌تنهایی و بدون عاملان نمی‌توانند تحول خاصی را رقم بزنند بلکه همواره نیازمند عاملانی هستند که بتوانند این اعتبارات را جامه عمل بپوشند و به همین دلیل است که رهبر انقلاب درباره شهید مطهری می‌گویند: «من فکر می‌کنم مناسب‌ترین جا برای ایشان ریاست جمهوری بود که با آن ابعاد عظیم شخصیت، یک حکیم، یک فیلسوف، یک فقیه، می‌شد رئیس‌جمهور یک نظام». (گفتگوی آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون شهادت استاد شهید مطهری: ۱۳۶۳/۲/۱۰)

در اصل بعثت انبیا «عموماً تحولاتی بوده‌اند در جهت سودمندی انسان و نجات مستضعفان و فرودستان و بر ضد ستم‌ها و تبعیض‌ها و تجاوزها». (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۲۰)

آنچه از مواضع خواص در تاریخ به ثبت رسیده است؛ این بوده که «تاریخ، این‌ها را به آن موضعی می‌شناسد که این مواضع، تعیین‌کننده بود؛ حرکت کلان جامعه را توانست هدایت کند، شکل بدهد و به پیشرفت این حرکت کمک کند». (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان نظام جمهوری اسلامی: ۱۳۸۹/۱/۱۶)

و این بدان جهت است که انسان موجودی مختار است که بر اساس آگاهی، باور و ارزش‌هایش اقدام و عمل می‌کند. اساس زندگی او را باورها و ارزش‌های او تشکیل می‌دهد و رفتارهای فردی و اجتماعی [خواه‌ناخواه]، از نظام عقیدتی و ارزشی او سرچشمه می‌گیرد (سخنرانی آیت‌الله مصباح یزدی در افتتاحیه سال تحصیلی ۹۵-۹۶: ۱۳۹۵/۷/۳) در نتیجه، باورها و ارزش‌ها نقش به‌سزایی در حرکت و جهت‌گیری انسان خواهند داشت.

آگاهی و شناخت انسان از هستی و خود یا به‌عبارت دیگر «جهان‌بینی» او، بایدها و نبایدهایی را به دنبال خود می‌آورد که حتی او را در جهت مخالف حرکت جمعی هدایت می‌کند. در واقع «ما با ذهن‌ها مواجهیم، با دل‌ها مواجهیم؛

باید دل‌ها قانع بشود. اگر دل‌ها قانع نشد، بدن‌ها به راه نمی‌افتد، جسم‌ها به کار نمی‌افتد». (بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از دانشجویان سراسر کشور و نمایندگان تشکلهای دانشجویی: ۱۳۹۵/۴/۱۲)

با این مقدمه علت تحریف بسیاری از مفاهیم توسط انسان‌های زشت صفت معلوم می‌شود. برخی از افراد وقتی نمی‌توانند در برابر جریان حق قیام کنند دست به تحریف آموزه‌ها و مفاهیم آن جریان می‌زنند تا با ورود اندیشه غلط به ذهن‌ها، آن‌ها را در برابر خاسته‌های خویش رام کنند؛ چرا که مصلحت چنین کسانی «در این است که چشم مردم را به وضع موجود بدوزد... تا هیچ‌گاه در جستجوی الگویی نباشند که آنان را از زمان کنونی جدا و به آینده منتقل کند». (صدر، ۱۳۹۹: ۱۴۴) در دوران پس از رحلت رسول خدا تاکنون نیز امثال بنی‌امیه^۱ (کافی: ۲/۴۱۶ح/۱) و برخی از افراد که از برملا شدن حقیقت «وحشت و هراسشان برمی‌دارند، [این‌ها] همین سردمداران مذهب، اما مذهب غیرواقعی و مذهب خرافی خواهند بود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: جلسه ۱۹) و دست به تحریف اذهان عمومی از طریق تحریف دین انبیا می‌زنند.

البته این سخن به معنای وجود چنین انگیزه‌ای در بین تمامی دعوت‌کنندگان به توحید یا تمامی دعوت‌کنندگان به علم و شناخت نبوده است و به معنای کذب بودن تمام معارف و آموزه‌ها نخواهد بود. «دین با آگاهی و بصیرت همراه است. ایمان دینی اگر کورکورانه و ناآگاه باشد، فایده ندارد. دین می‌خواهد هر کسی که به او می‌گردد، هرکسی که وارد منطقه و محیط او می‌شود از اول بداند که به کجا می‌رود و به دنبال چه کاری می‌رود». (همان: ۴۰۱)

۱. «عَلَيْ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُتَقَرِّي عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أَنْ بَنِي أُمِّيَّةَ أَطْلَقُوا لِلنَّاسِ تَعْلِيمَ الْإِيمَانِ وَلَمْ يُطْلَقُوا تَعْلِيمَ الشَّرِكِ لِكَيْ إِذَا حَمَلُوهُمْ عَلَيْهِ لَمْ يَعْرِفُوهُ».

پس چون توحید با بیان حقیقت‌ها و دادن شناخت صحیح به انسان «در جهت سودمندی انسان و نجات مستضعفان و فرودستان و بر ضد ستم‌ها و تبعیض‌ها و تجاوزها» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۲۰) هست، مورد هجمه قرار می‌گیرد.

رهبر انقلاب در یکی از دیدارهای خود، پس از اشاره به نقش مهم ساختارها در تغییر وضعیت کشور، به نقش اساسی خودسازی در مسئولین اشاره کرده و می‌فرماید «خطر عمده دو چیز است: اول، هوس‌پرستی و هواپرستی و دیگری آرزوهای دورودراز» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام: ۱۳۷۹/۹/۱۲) و در جای دیگری می‌گویند: «اگر اخلاص نباشد کار بی‌برکت می‌شود». (بیانات در دیدار خانواده و ستاد سالگرد شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱)

پس تاکنون به دو عنصر آگاهی و اخلاق اشاره شد که با تأثیر بر ذهنیت و عمل افراد، آن‌ها را در برابر ساختارهای اجتماعی مصونیت می‌بخشند.

در اینجا خوب است به نقش حرکت‌های مردمی نیز اشاره شود چرا که همواره مردم نقش اساسی در نوع رویکرد حاکمان و مسئولین و نیز تغییر ساختارهای مدیریتی و اجرایی در جامعه بر عهده داشته‌اند که نمونه بارز آن انقلاب مردمی ایران بوده است.

مادامی که «مردم نقشی در حکومت نداشته باشند، نمی‌شود گفت که حکومت به معنای دوّمی - یعنی آن حکومت در خدمت مردم است - مردمی است». (بیانات در خطبه نماز جمعه: ۱۳۶۲/۵/۱۴) اگر مردم احساس کنند که در سرنوشت جامعه خویش نقش دارند، پای کار نظام آمده و سنگینی بار حاکمیت را بر دوش خود حمل می‌کنند (همان) که در این صورت مدل حکمرانی نیز همان حکمرانی مردمی با محوریت ولی خواهد بود که با مدل دموکراسی غربی که البته با محوریت میل، خواست و لذت مادی انسان دنبال می‌شود متفاوت است. در دموکراسی غربی، آزادی فردی است «[نه آزادی اجتماعی (سوسیالیستی) که]

در مقیاس جامعه است و حل شدن و هضم شدن آزادی فرد در آن چیزی که آن‌ها آن را آزادی جامعه می‌شمردند». (خطبه‌های نماز جمعه تهران: ۱۳۶۵/۹/۱۴)

در ادبیات انقلاب اسلامی دموکراسی یعنی «عزم یکایک انسان‌ها در حد خودش تأثیر دارد؛ نه فقط در مسائل شخصی - که تأثیر تام دارد - بلکه در مسائل اجتماعی» (بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان: ۱۳۸۵/۸/۱۸) یعنی «در همه‌ی تحولات و جنبش‌های گوناگون اجتماعی بزرگ، نقش مردم، نقش معیار است؛ یعنی گسترش یک تحول، گسترش یک فکر، گسترش نفوذ یک مصلح اجتماعی، وابسته به این است که با مردم چقدر ارتباط داشته باشد». (بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰) پس در تمام تحولات باید مسئولین و سیاست‌گذاران نظام به ذهنیت مردم نسبت به برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها توجه داشته باشند.

پس تا اینجا معلوم شد که یکی از شاخص‌های مکتب سیاسی امام خمینی ره و رهبر انقلاب همین است که «هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه‌ی ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره‌ی سرنوشت بشر و یک جامعه، آراء مردم باید نقش اساسی ایفا کند» (بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی: ۱۳۸۳/۳/۱۴)؛ از این‌رو برای قدرت‌گیری یک نظام و رفع موانع پیشرفت و خشی‌سازی نقشه دشمن، مردم هم باید در صحنه حاضر باشند.

حتی در مرتبه‌ای بالاتر، باید نقش مردم در روی کار آمدن نظم جدید عالم و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را امری انکارناپذیر دانست؛ به همین دلیل «امروز هدف هر مسلمان باید ایجاد تمدن اسلامی نوین باشد» (بیانات رهبر انقلاب در جمع موکب داران عراقی: ۱۳۹۸/۶/۲۷) این بدان سبب است که «مسائل اساسی باید با افکار عمومی مطرح بشود... [زیرا این‌گونه است که] اندیشه‌ها فعال خواهد شد،

اندیشه‌های نو، جوان‌های صاحب‌فکر درباره مسائل مهمی که با افکار عمومی مطرح می‌شود فعال می‌شوند». (بیانات در دیدار زائران حرم امام رضا در ابتدای سال: ۱۴۰۲/۱/۱)

حتی حکومت امام زمان علیه السلام «متکی به ایمان‌ها و اراده‌ها و بازوان مردم است. امام زمان، تنها دنیا را پُر از عدل و داد نمی‌کند؛ امام زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آن‌هاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می‌بخشد و حکومتی صددرصد مردمی تشکیل می‌دهد». (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان: ۱۳۸۱/۷/۳۰)

«وقتی مردم در صحنه بودند و همت کردند و خواستند، مسئولان هم به کار تشویق می‌شوند و کار را بهتر و بیشتر و جدی‌تر انجام می‌دهند». (پیام نوروزی به مناسبت حلول سال ۱۳۵۷/۱/۱: ۱۳۵۷)

- تأثیر ساختارها بر فرد

همان‌گونه که در ابتدای نوشتار اشاره شده است، بسته به اینکه واژه «اصالت» به چه معنایی به کار گرفته شود، دیدگاه متفاوتی را پیرامون عاملیت و ساختار ارائه می‌کند.

رهبر انقلاب برای بیان وجود حقیقی ساختارها، از دو مثال کارخانه آدم سازی و تور ماهیگیری استفاده می‌کنند.

«من همیشه نظام‌های اجتماعی را به تورهای ماهیگیری مثال می‌زدم که گاهی در میان خود هزاران ماهی را می‌کشاند به یک سمت خاصی و آن ماهیان خودشان متوجه نیستند که با همان حرکت تور، دارند به یک طرفی کشیده می‌شوند و نمی‌فهمند که یک کسی دارد آن‌ها را هدایت می‌کند... آن‌ها خیال می‌کنند که آزادند و دارند راه می‌روند، هیچ احساس اسارت نمی‌کنند... حتی نظام صحیح هم به یک معنا همین‌طور است اگرچه او دیگر اسارت نیست چون

در او آگاهی و بینایی هست وانگهی نظام مستند به خدا و بندگی بالاخره بندگی خداست... انسان‌ها در نظام اجتماعی داخل تور نامرئی هستند». (بیانات در جلسه بیست و دوم تفسیر سوره بقره: ۱۳۷۱/۱/۲۶)

با این مقدمه به برخی از ساختارهایی که تأثیر بیشتری بر نظام ارزشی، بینشی و عملی انسان دارند اشاره خواهد شد:

(۱) نظام‌ها: کلمه «نظام» برگرفته از واژه نظم و به معنای شکل خاصی از روابط است که می‌تواند در عرصه سیاسی، اقتصادی و یا تربیتی مجسم شود. در طول تاریخ دو نظام اصلی یکی نظام حق و دیگری نظام باطل و سلطه‌طلب در مقابل یکدیگر بوده‌اند. در نظام سلطه استکباری، مستکبر برای رسیدن به منافع خود، به شکل‌های مختلف مانع بیداری و آگاهی مردم می‌شود و مردم را با گزاره‌های غیرواقعی و اخبار دروغین و علم‌نما به امور وهمی و خیالی مشغول می‌کند.

رهبر انقلاب در بیان خصوصیات نظام سلطه و استکباری می‌گویند: «با استفاده از زور و تزویر و با گونه‌گون شیوه‌های تحمیل و تحمیت، مردم را به راهی که خود می‌پسندند (فرمان بری بی‌قیدوشرط) می‌کشاند و به مقاومت و مقابله با هر دعوت رهایی‌بخش وامی‌دارد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۵۶)؛ زیرا توحید «پیام‌آور نظمی نو و مشخص‌کننده ملاک‌های راستین» (همان) است.

ایشان در بیان معنای دقیقی از نظام توحیدی به این نکته اشاره می‌کنند که توحید «طرد همه کسانی است که همت بر استضعاف خلق گماشته و از راه تحمیل یا تحمیت (زور یا جهل) بر دوش آن‌ها سوار شده و غرائز سرکش و تمایلات حد‌ناشناس خود را اشباع کرده‌اند» (همان: ۶۶) و به حکم آیه «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ» (قصص: ۴) معلوم می‌شود این بردگی و بندگی فکری و عملی همواره در طول تاریخ بوده است و «نظام طاغوتی» که در برابر ربوبیت الهی قرار دارد و اطاعت از آن مورد نهی واقع شده

است همان طغیان‌گری انسان‌های خاصی در یک ساختار مدیریتی و سلطنتی است که به پشتوانه آن وجود خود را بر مردم تحمیل می‌کند؛ که در مقابل، انبیا هر چیزی را که به واسطه آن‌ها «مانع از تحرک انسان می‌شود، مانع از پرواز آدمی می‌شود، مانع از اوج گرفتن انسان و تکامل انسان می‌شود» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۹/۱۴) را از میان بردارند.

نظام‌ها می‌توانند دائماً تغییر و تحول شوند و هرگاه افراد در صدد تغییر آن‌ها برآیند می‌توانند آن‌ها را ساقط کنند. سیاست‌های انقلاب اسلامی خط بطلانی بر «این پندار که سلطه‌های جهانی شکست ناپذیر و خواست و اراده‌ی آن تخلّف ناپذیر است» (همان) بود.

۲) جامعه: هویت و صورت هر جامعه برخاسته و منطبق با معنایی است که افراد جامعه با آن متحد می‌شوند؛ از این رو می‌توان ادعا کرد که تشکیل جامعه اسلامی یکی از اهداف مهم رسول خدا بوده است. مقصود از جامعه‌ی اسلامی، جامعه‌ای است که در آن «خدا حکومت می‌کند، قوانین آن جامعه، قوانین خدایی است، حدود الهی جاری است، عزل و نصب را خدا می‌کند،... تشکیلات را خدا ایجاد می‌کند،... روابط اجتماعی را، اقتصاد را، حقوق را همه و همه را دین خدا تعیین می‌کند». (خامنه‌ای، ۱۳۶۲: ۵۰۴) از نگاه رهبر انقلاب، امر مسلم نزد هر فرد مسلمان باید این باشد که انسان «جز در اجتماعی که بر اساس اسلام و بر مبنای قواعد اسلامی بنیان شده باشد، رشد نمی‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۶۶۴)؛ و در چنین جامعه‌ای «هر که بیاید، انسان می‌شود، اگر انسان کامل هم نشود، مجبور است به رفتار انسان‌ها حرکت کند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۵۰۵)

۳) انقلاب: انقلاب به معنای بر هم زدن نظم موجود و تغییر روابط است. به عبارت دیگر، انقلاب واژگون کردن تاج و تخت گروهی از انسان‌ها (بیانات در دیدار

اقتشار مختلف مردم، ۱۳۹۴/۶/۱۸) و روی کار آمدن مدل جدیدی از روابط است. «انقلاب یعنی یک تحول و یک دگرگونی عمیق و بنیادی از ریشه در یک اجتماع... بنایی را که به‌منظور کاری ساخته شده، تبدیل کنند به بنایی که به‌منظور دیگری و به‌کلی مغایر با آن منظور اولی ساخته می‌شود». (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۳۵۱-۳۵۲) هر انقلاب بسته به آرمان‌ها و شعارهایش و نیز قصدی که از آن آرمان‌ها می‌شود، می‌تواند کارآمد و مفید باشد و یا بالعکس. البته انقلاب در نتیجه‌ی به حاشیه رفتن یک نظام و روی کار آمدن نظام دیگر است که با حرکت‌های مردمی و مطالبات همه یا بخشی از مردم محقق می‌شود. در این راستا پس از تحقق هر انقلاب همواره سردمداران عالم «دل رهبران انقلاب‌ها و رهبران ملت‌ها را خالی می‌کردند. آن‌ها را می‌ترساندند، مرعوبشان می‌کردند» (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان: ۱۳۷۲/۸/۱۲) تا این انقلاب‌ها نیز از مسیر و اهداف خود دور شوند.

رهبری، انقلاب اسلامی را گامی در راستای تحقق آرمان‌های بلند انسانیت دانسته که نیازمند استمرار و ارتقا است. «با انقلاب اسلامی در ایران و با تشکیل نظام اسلامی در این نقطه‌ی از عالم و با مبارزات طولانی‌ای که ملت ما پشت سر رهبر عظیم‌الشأنش، برای حفاظت از انقلاب و اسلام انجام داد، عصر جدیدی با خصوصیات متمایز با دوران قبل، در عالم به‌وجود آمد». (بیانات در اولین سالگرد ارتحال امام خمینی ره: ۱۳۶۹/۳/۱۴)

انقلاب ایران را نباید به چشم حادثه‌ای نگاه کرد که در زمانی اتفاق افتاده است و تمام شده است، بلکه به‌عنوان یکی از مراحل پنج‌گانه تحقق تمدن نوین باید شمره شود. انقلاب اسلامی هنوز در حال تغییر ساختارهای درونی خود و بر هم زدن نظم حاکم بر جهان در حرکت است و رویش‌های جدیدی نیز داشته

است. سنت الهی هم بر همین است. «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ». (همان)

رویکردهای کلان در باب عاملیت و ساختار

به طور کلی سه رویکرد را در باب عاملیت و ساختار می توان ذکر کرد. رویکرد کلان نگر که در آن بیشتر پدیده های کلان مانند نظام ها، ساختارها و جامعه به عنوان موجود حقیقی مورد توجه قرار می گیرد. در این دیدگاه، ماهیت و شاکله انسان تحت تأثیر عوامل بیرون از شخصیت او شکل می گیرد به گونه ای که معرفت، اراده و کنش انسان متأثر از شرایط زمانی و مکانی و فرهنگی می باشد. به خلاف رویکرد خردنگر که در آن انسان موجودی مستقل، عامل و کنشگر است که جهان بیرون از خود را می سازد؛ و در رویکرد سوم تلاش برای جمع دوگانه ذکر شده صورت می گیرد.

الف) اصالت فرد: ریشه ها و بنیان های نظریه «اصالت فردی» را می توان در اندیشه دکارت جستجو کرد چراکه در اندیشه او «فقط فردها هستند که می اندیشند و عمل می کنند و جامعه به خودی خود هیچ واقعیتی ندارد» (سوزنچی، ۱۳۸۵: ۴۳) و «افراد انسانی هنگامی که گرد هم می آیند به ماده تازه ای مبدل نمی شوند» (همان: ۴۴) از این رو برای مطالعه پدیده های انسانی نیازمند مطالعات روانشناسانه هستیم.

از نگاه ماکس وبر، فهم قصد و معنای کنش در نوع تحلیل رفتار او اثرگذار است و «برای تبیین هر کنشی بایستی آن ها برحسب معنای مورد نظر ذهنی عامل و کنشگر آن، تفسیر کرد» (بررسی انتقادی عاملیت و ساختار در اندیشه: ۲۹) از این رو وبر تاریخ جوامع را تاریخ تک خطی نمی بیند؛ چراکه «جامعه یک واقعیت قائم به ذات نیست» (نظری، ۱۳۹۶: ۶۲) و آنچه دارای هستی و واقعیت است همان فرد است و

«آنچه رویدادهای زیر بنایی و روبنای نامیده می‌شود، همواره موضعی ثابت نیست، بلکه این دو مانند مناسبات علی بین علایق مادی و حیاتی جا عوض می‌کنند و با هم تعویض می‌گردند» (همان).

مکتب کنش متقابل نمادین، نیز متأثر از همین رویکرد است (کرمی نژاد، احمد، ۱۳۹۲: ۳۵) که به بررسی‌های توصیفی، جهت‌گیری‌های شخصی و تحلیل ماهیت‌های انفرادی و خاص روی آورده است. در این مکتب، کولی همچون ماکس وبر وظیفه جامعه‌شناس را درک معانی کنش افراد می‌داند و جامعه‌شناس باید «قوانین رفتاری انسان‌ها را در معانی ذهنی افراد کنشگر جستجو» (لوئیس ۱۳۹۸: ۴۱۶) کند.

ب) ساختارگرایی: ساختارگرایی اقسامی دارد همچون ساختارگرایی زبان‌شناسی (سوسوری)، انسان‌شناسی (کلود لوی)، روانشناسانی (فروید). هگل به‌عنوان فیلسوف کل‌نگر، معتقد بود که فقط یک مقوله و واقعیت است که وجود دارد و آن «روابط» است و جوهرها (مانند افراد انسان) «به‌وسیله روابطشان تعین می‌یابند» (همان: ۴۴) «معتقدان به جبر اجتماعی، مانند هگل، اسپنسر و پیروان سستی مکتب مارکس، فرد را تقریباً بی‌اثر می‌دانند و قایل‌اند به اینکه حوادثی که اعمال هر فرد به آن منجر می‌شود، توسط قوانین تاریخی یا به‌واسطه نیازهای عصری که آن فرد در آن ظهور می‌کند معین می‌گردد» (مصباح یزدی، ۱۴۰۰: ۲۵۹).

مارکس عامل حرکت‌های تاریخی را «همان شیوه ارتباط انسان‌ها در رهگذر کشمکش‌هایشان برای به دست آوردن زیست‌مایه از چنگ طبیعت» (کوزر، ۱۳۹۸: ۷۵) می‌داند؛ از این‌رو می‌توان اولین و مهم‌ترین عنصر و زیربنای هر جامعه را در نظریه‌ی مارکس «روابط تولید» دانست. پس برخلاف اندیشه هگل که اساس

دیالکتیک را «تکامل افکار یا روح انسان» (همان: ۷۷) شکل می‌دهد، از نگاه مارکس حرکت دیالکتیکی «ریشه در اوضاع مادی زندگی» (همان) دارد.

دورکیم معتقد نیز بود که انسان موجودی برساخته روابط اجتماعی است. او «با طرد تفسیرهای زیست‌شناختی و روان‌شناختی، توجهش را به عوامل اجتماعی‌ساختاری تعیین‌کننده مسائل اجتماعی انسان معطوف» (همان: ۱۸۷) می‌کرد. دورکیم بر این باور بود که واقعیت‌های اجتماعی در بیرون از فرد وجود دارند و نقش آن‌ها واگذاری تکالیف بر عهده افراد جامعه در قبال یکدیگر است. (دورکیم، ۱۳۹۸: ۲۷) واقعیت اجتماعی «دارای قدرتی آمر و قاهر است و به واسطه این قدرت خود را علی‌رغم میل فرد به وی تحمیل می‌کند». (همان: ۲۸) پارسونز در کتاب نظام اجتماعی متأثر از دورکیم، دست به نظریه‌پردازی ساختارگرایانه‌ای می‌زند که در آن تأکید اصلی بر نظام‌های اجتماعی و فرهنگی پهن دامنه (جورج ریتزر، ۱۳۸۴: ۸۰) است.

او نظام‌های اجتماعی را به نظام‌های زنده زیست‌شناختی تشبیه کرده است که در آن هر قسمت (هر اندام) دارای نیازهایی است که در صورت پاسخ به آن‌ها، این اندام زنده مانده و در صورت عدم پاسخ به نیاز، حیاتش را از دست خواهد داد. البته در اینجا برای اینکه «توافقی میان نیازهای فردی و نهادی و میان نقش‌های فردی و اجتماعی به وجود آید» (استیون سیدمن، ۱۳۸۸: ۱۰۳) لازم است که «حداقلی از فهم و ارزش‌های مشترک وجود داشته باشد». (همان)

ج) تلفیق‌گرایی: اندیشه اجتماعی که تا نیمه قرن بیستم بیشتر به یکی از دو رویکرد خرد و کلان شناخته می‌شد، از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، شاهد تلاش اندیشمندان برای جمع بین دوگانه‌های اصالت فرد و ساختار، ذهن و عین، نظر و عمل بود که در این میان می‌توان به نظریه‌های «بورديو»، «گیدنز»، «برایان فی» و «هابرماس» اشاره کرد.

بورديو با توضیح دو مفهوم اساسی «فضای اجتماعی» و «حوزه قدرت» به دنبال ارائه تصویری جدید از دنیای اجتماعی بود که در آن ذات‌گرایی معنای خود را از دست می‌داد و مفهوم فضا «متضمن فهم دنیای اجتماع در قالب روابط» (بورديو، ۱۳۹۹: ۷۲) می‌بود. او همچون کاسیرر به مخالفت با رویکرد □ ذات‌انگاری (همان: ۳۰) پدیده‌های انسانی روی آورد و به تحلیل‌های رابطه‌ای و کارکردی بیشتر تمایل نشان می‌داد.

بورديو معتقد بود که به دلیل وجود تمایزها و خصلت‌های مختلف در جهان اجتماعی، این جهان به فضاهای کوچک و زیادی تقسیم می‌شود که میدان نامیده می‌شوند (همان: ۱۳۸) و عاملان اجتماعی متأثر از این میدان‌ها و خصوصياتی که برای هر قشر در هر یک از میدان‌ها در نظر گرفته می‌شود دارای اختیاراتی هستند.

از نگاه گیدنز هم اگرچه کنشگر و ساختارها دارای دو هویت مستقل هستند اما از آنجا که «ساختارهای اجتماعی ساخته کنش کنشگران هستند» (توحید فام، ۱۳۸۸: ۸۴) و همین ساختارها بسترهای کنشگری افراد را به وجود می‌آورند، نمی‌توان رابطه یک‌سویه بین آن‌ها لحاظ کرد و بلکه نمی‌توان آن‌ها را جدای از یکدیگر فرض کرد. او کنش و ساختار را «دوروی یک سکه می‌داند و هدف خویش را وفاق میان ساختار از یک سو و نیز اراده و استقلال کنشگران از سوی دیگر» (همان) بیان می‌کند.

دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در باب عاملیت و ساختار

در باب تأثیر هر یک از فرد و جامعه بر دیگری، همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، ایشان برای بیان تأثیر فرهنگ بر عاملان از مثال «هوا» و برای نشان دادن نقش نظام‌ها و ساختارها در جهت‌گیری کنشگران از مثال «تور ماهیگری» و «کارخانه

آدم‌سازی» استفاده کردند؛ و برای نشان دادن نقش افراد در تغییر ساختارها و نظام‌ها به نقش انبیا و نخبگان و خواص در تاریخ و تحولات اجتماعی اشاره کرده‌اند به گونه‌ای که خواص با انجام یک کار تشکیلاتی و منظم می‌توانند مطالبات جدیدی را شکل دهند و از این طریق بر بدنه مسئولین و جامعه نخبگانی فشاری را وارد کنند تا کشور را به سمت فرهنگ و اعتبارات خاصی سوق دهند.

در واقع ایشان با قائل شدن به اصالت فرد و جامعه به دنبال ترسیم مدلی از مدیریت اجتماعی هستند که در آن افراد همه نقش‌آفرینی می‌کنند و ساختارهای مناسبی را به وجود می‌آورند. این مشارکت که در مدل ولایت تعریف می‌شود با حرکت آتش به اختیار حلقه‌های میانی اتفاق می‌افتد بدین صورت که نخبگان و خواص با به راه انداختن گفتمان عمومی در جامعه، مردم را مجذوب آرمان‌ها و ساختارهای مطلوب می‌کنند و مردم با مطالبات و درخواست از مسئولین و نخبگان بستر تحقق آن را فراهم می‌سازند.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در قسمت‌های قبل بیان شد، آنچه در بحث اصالت عاملیت و ساختار از اهمیت زیادی برخوردار است، شناخت درست انسان، هستی، قوانین حاکم بر جهان هستی و نیز قوانین حاکم بر زندگی فردی و جمعی انسان است. در اندیشه اسلامی، هر انسان از سویی دارای اختیار و اراده است که می‌تواند آن را با عوامل متعددی تقویت یا تضعیف کند تا جایی که می‌تواند به مقام «ربوبیت» و تسلط انسان بر خود و جهان طبیعی برسد و از سویی محکوم به جبرهای طبیعی و الزامات زندگی جمعی است؛ یعنی اگرچه عوامل طبیعی و زیستی و محیط اجتماعی می‌توانند بر شخصیت انسان، نگرش‌ها و همچنین بر رفتارهایش اثرگذار باشند (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۳۱)؛ اما هیچ‌گاه نتوانسته‌اند اراده و اختیار او را سلب کنند. بلکه از سوی دیگر بنیان جامعه بر افراد متکی است و این افراد هستند که اموری را قبول می‌کنند یا کنار می‌زنند و به تعبیر قرآن اقوام و ملت‌ها خودشان سرنوشت خودشان را عوض می‌کنند؛ یعنی «مردم» نقش خیلی مهمی در تحولات اجتماعی پیدا می‌کنند به همین دلیل رهبر انقلاب درصدد طراحی مدلی هستند که مردم در سرنوشت جامعه خویش بیشترین تأثیر را داشته باشند که در آن، هم آحاد مردم و هم نخبگان و خواص در طراحی مدل زیست اجتماعی خود وارد صحنه می‌شوند و به‌صورت تشکیلاتی منظم به شناخت مسائل مهم و نحوه حل آن‌ها به کمک حلقه‌های میانی می‌پردازند.

پس معلوم می‌شود که انسان صرفاً موجودی مادی، اقتصادی، اخلاقی و یا فرهنگی نیست (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۵/۳۹۸) بلکه خود پدیدآورنده نوع فرهنگ و اعتبارات اجتماعی‌اش هست.

در اینجا پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات بعدی دو مسأله بیشتر مورد توجه قرار گیرد: یکی ارتباط کنش انسان با انتخاب‌های برخاسته از حالات جسمی و روحی‌اش که بیشتر در روانشناسی مورد بحث قرار می‌گیرد؛ و دیگری ارتباط انسان با هوش مصنوعی است که با پیچیده‌تر شدن مسائل علوم و پیشرفته شدن ماشین‌ها، آنچه بیشتر انسان امروزی را به هراس انداخته است تسلط ماشین بر انسان است؛ یعنی «آیا رایانه‌ها آن قدر هوشمند خواهند شد که اختیار ما را به دست بگیرند؟» (فولی - کای، ۱۴۰۰: ۱۳) و اینکه کامپیوترها که روزی قرار بود «به ما کمک کنند که تا از عهده پیچیدگی برآیم؛ اما به گفته نشریه تکنولوژی ریوروی دانشگاه ام‌آی‌تی، نرم‌افزار، از توانایی ما برای درک آن پیشی گرفته است» (الوین تافلر و هایدی تافلر، ۱۳۹۰: ۳۷۲) و «این امر، پیچیدگی را ... دشمن شماره یک امنیت کرده است» (همان) آیا مطلبی درست است و موجب به حاشیه رفتن درک و اختیار انسان می‌شود؟ و اینکه نقش انسان در تحولات پیش‌رو چقدر خواهد بود؟

منابع و مآخذ

قرآن کریم

۱. آشتیانی، منوچهر. (۱۳۸۳)، *ماکس وبر و جامعه‌شناسی شناخت*، چ ۱، تهران: نشر قطره.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق)، *من لایحضر الفقیه*، ج ۲ و ۴، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. تافلر، الوین تافلر؛ تافلر، هایدی. (۱۳۹۰)، *ثروت انقلابی*، ترجمه: رضا امیری رحیمی، چ ۱، تهران: نشر ماهی.
۴. بوردیو، پی‌یر. (۱۳۹۹)، *نظریه کنش دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، ترجمه: سید مرتضی مردیها، چ ۶، تهران: نقش و نگار.
۵. پارسانیا، حمید. (۱۳۸۹)، *هستی و هبوط انسان در اسلام*، چ ۴، قم: دفتر نشر معارف.
۶. ———. (۱۳۹۵)، *جهان‌های اجتماعی*، چ ۳، قم: کتاب فردا.
۷. جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۵)، *ره‌یافت‌ها و ره‌آوردها: دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی*، دفتر سوم، زیر نظر محمود رجبی، محمود فتحعلی، چ ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۸. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۳)، *تفسیر موضوعی قرآن (توحید در قرآن)*، ج ۲، چ ۱، قم: اسراء.
۹. ———. (۱۳۸۹)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم (جامعه در قرآن)*، ج ۱۷، ترجمه: مصطفی خلیلی، چ ۳، قم: اسراء.
۱۰. خامنه‌ای سید علی. (۱۳۹۲)، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن (سلسله جلسات استاد سید علی حسینی خامنه‌ای)*، چ ۱ و ۲، تهران: صهبا.
۱۱. ———. (۱۳۹۶)، *تفسیر سوره براءت*، چ ۱، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۲. ———. (۱۳۹۹)، *شرح نهج البلاغه*، ج ۱، چ ۴، تهران: انقلاب اسلامی (وابسته به مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی).

۱۳. _____ (۱۴۰۰)، روح توحید نفی عبودیت غیر خدا، تصحیح: محمدرضا فلاح شیروانی، تحقیق و تنظیم: مؤسسه فرهنگ و تمدن توحیدی (فتوت)، چ ۱، قم: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام.
۱۴. خمینی، روح الله. (۱۳۹۱)، ولایت فقیه، چ ۲۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۵. _____ (۱۳۸۹)، صحیفه امام، ج ۴ و ۱۱ و ۱۴، چ ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۶. _____ (۱۳۸۰)، شرح چهل حدیث، چ ۲۴، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۷. دورکیم، امیل. (۱۳۹۸)، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه: علی محمد کاردان، چ ۱۱، تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. ریتزر، جورج. (۱۳۷۴)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، چ ۱، تهران: انتشارات علمی.
۱۹. سیدمن، استیون. (۱۳۸۸)، کشاکش آراء در جامعه‌شناسی، ترجمه: هادی جلیلی، چ ۲، تهران: نشر نی.
۲۰. شرت، ایون. (۱۴۰۰)، فلسفه علوم اجتماعی قاره‌ای (هرمنوتیک، تبارشناسی و نظریه انتقادی از یونان باستان تا قرن بیست و یکم)، ترجمه: هادی جلیلی، چ ۸، تهران: نشر نی.
۲۱. صدر، محمدباقر. (۱۳۹۹)، سنت‌های تاریخی در قرآن کریم، ترجمه: جلال میرآقایی، چ ۲، انتشارات دارالصدر.
۲۲. صدیق اورعی، غلامرضا و دیگران. (۱۳۹۸)، مبانی جامعه‌شناسی مفاهیم و گزاره‌های پایه، چ ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱. طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق)، مجموعه رسائل العلامة الطباطبائی، چ ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲. _____ (۱۳۹۴ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴ و ۲۰، قم: اسماعیلیان.
۲۳. طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج علی اهل اللجاج، چ ۲، تصحیح: محمدباقر خراسانی، چ ۱، مشهد: نشر مرتضی.

۲۴. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۳)، *فقه سیاسی / فقه و سیاست* (تحول اندیشه سیاسی در فقه شیعه)، ج ۸، چ ۱، تهران: امیرکبیر.
۲۵. فلاح شیروانی، محمدرضا. (۱۳۹۸)، *مقام مردم*، چ ۱، قم: پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام.
۲۶. _____ (۱۳۹۹). *جایگاه عزم*، چ ۱، قم: پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام.
۲۷. فولی کای. (۱۴۰۰)، *ابرقدرت‌های هوش مصنوعی (چین، سیلیکون ولی و نظم نوین جهانی)*، ترجمه: میر جواد سید حسینی و مژگان محمدی، چ ۲، تهران: نشر پارسه.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، ج ۲، تصحیح: غفاری علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. کمالان، مهدی. (۱۳۹۳)، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، چ ۶، تهران: کمالان.
۳۰. کوزر، لوئیس آلفرد. (۱۳۹۸)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، چ ۲۱، تهران: انتشارات علمی.
۳۱. گارد، یوستاین. (۱۳۷۵)، *دنیای سوفی*، ترجمه: کورش صفوی، چ ۳، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳۲. محمدی اصل، عباس. (۱۳۹۰)، *تالکوت پارسنز و نظریه کنش*، [بی‌جا]: [بی‌نا].
۳۳. مریجی، شمس‌الله. (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی در عرصه تبلیغ دینی*، چ ۱، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۳)، *معارف قرآن (انسان‌شناسی)*، ج ۳، چ ۷، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۵. _____ (۱۳۹۸)، *آموزش فلسفه*، ج ۱، چ ۵، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۶. _____ (۱۳۹۸)، *انسان‌سازی در قرآن*، تهیه و تنظیم: محمود فتحعلی، چ ۶، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۷. _____ (۱۴۰۰)، *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*، چ ۴، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴)، *مجموعه آثار*، چ ۷، تهران: صدرا.
۳۹. _____ (۱۳۸۴)، *یادداشت‌های استاد شهید مطهری*، ج ۱، چ ۷، تهران: صدرا.

۴۰. ملکم بی، همیلتون. (۱۳۹۸)، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه: محسن ثلاثی، چ ۷، تهران: نشر ثالث.
۴۱. منسوب به امام ششم، جعفر بن محمد. (۱۴۰۰ق)، *مصباح الشریعة*، ج ۱، چ ۱، بیروت: اعلمی.
۴۲. موسوی، مهدی. (۱۳۹۴)، *الگوهای کلان تولید علوم انسانی اسلامی در بستر انقلاب اسلامی*، چ ۱، [بی جا]: آفتاب توسعه.
۴۳. میدی، حسین بن معین الدین. (۱۴۱۱ق)، *دیوان امیرالمؤمنین علی*، چ ۱، قم: دار ندای الاسلام للنشر.
۴۴. وبر، ماکس. (۱۳۹۹)، *روش‌شناسی علوم اجتماعی*، ترجمه: حسن چاوشیان، چ ۸، تهران: نشر مرکز.
۴۵. یان کرایب. (۱۳۸۶)، *نظریه‌های اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس*، ترجمه: عباس مخبر، چ ۴، تهران: انتشارات آگاه.
۴۶. یزدانی مقدم، احمدرضا. (۱۳۹۱)، *انسان‌شناسی و پیامدهای آن در اندیشه سیاسی هابز و علامه طباطبائی*، چ ۱، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

مقالات و پایان‌نامه‌ها

۱. افروغ، عماد. (۱۴۰۲)، «نوعدالت خواهی در مصاف با ناعدالت خواهی»، *فصلنامه جمهور*، شماره ۱ و ۲، بهار، قم: پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم علیه السلام، ص ۳۵۱.
۲. توحید فام، محمد؛ حسینیان امیری، مرضیه. (۱۳۸۸)، «تلفیق کنش و ساختار در اندیشه گیدنز بوردیو و هابرماس و تأثیر آن بر جامعه‌شناسی جدید»، *نشریه پژوهشنامه علوم سیاسی*، دوره ۴، مجله سوم، صص ۷۹-۱۰۷.
۳. سوزنجی، حسین. (۱۳۸۵)، «اصالت فرد جامعه یا هر دو؛ بررسی تطبیقی آرای استاد مطهری و استاد مصباح یزدی»، *مجله فلسفه و کلام*، *نشریه قبسات*، شماره ۴۲، زمستان، صص ۴۱-۶۰.

۴. قاسمی، حسین. (۱۳۹۹)، «رابطه عاملیت و ساختار در فلسفه سیاسی علامه طباطبائی»، *پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، رشته علوم سیاسی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۵. کرمی نژاد، احمد. (۱۳۹۲)، «بررسی انتقادی عاملیت و ساختار در اندیشه متفکران متأخر جامعه‌شناسی از نگاه اندیشه دینی»، *پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، رشته فلسفه علوم اجتماعی*، قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع).
۶. نظری، نصرالله. (۱۳۹۶)، «تحلیل رابطه عاملیت و ساختار از دیدگاه قرآن»، *رساله دکتری، رشته قرآن و علوم (گرایش قرآن و علوم اجتماعی)*، قم: مجتمع آموزش عالی امام خمینی.
۷. نیکخواه بهرامی، محمود. (۱۳۹۲)، «بررسی جایگاه کرامت انسانی در اندیشه سیاسی امام خامنه‌ای و آثار آن در جمهوری اسلامی»، *کارشناسی ارشد*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

پایگاه‌های اینترنتی

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی آثار آیت‌الله مصباح یزدی، mesbahyazdi.ir.
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی بیانات و آثار آیت‌الله جوادی آملی یا اسرا، <https://esra.ir>. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، KHAMENEI.IR.
۳. پایگاه اطلاع‌رسانی مدرسه فقهت، درس فلسفه فرهنگ استاد رشاد، https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rashad/falsafeh_farhang/۹۰۰۵۱۲/۹۰.

